



پروانه نجانی

چرا ترانک

آنچه این روزها در بیشتر محافل ادبی شیراز، کانون توجه هنرمندان جوان قرار گرفته است، تأمل در نوعی ادبی به نام «ترانک» است که طرز ابتکاری غلامرضا کافی شاعر کلاسیک‌سرای شیرازی است. دامنه این بحث‌ها و نقدها آنچنان وسیع بوده است که گاه آن را تا حد دریجه‌های بر توانمندی‌های نامشکوف زبان فارسی بالا برده‌اند و گاه نیز در شعر بودن آن شک کرده‌اند. آن‌چه مسلم است، این است که ترانک‌ها سروده‌ی کسی است که سال‌ها تجربه‌ی غزل‌های عاطفه‌مند و مثنوی‌های معناپسند را در پیشینه‌ی ادبی دارد و این با پشتوانه‌ی تحصیلات کلاسیک تا سطح دکتری در رشته‌ی ادبیات فارسی نیز همراه است.

□

فال‌بین

فال‌بین گمشده‌های زن را در آینه دید:
شوه‌ر تبعیدی در خارک
دختر فراری در پارک

جوان

درس اول زبان D, C, B, A
درس اول زمان
سی‌دی ای (AB, CD)

مارشال

مارشال‌های مارشانه
دریغ مغز مرا می‌خورند
من یک نظامی شاعرم

کیمیا

شیشه‌ی عطر خالی می‌شود

جانباژ شیمیایی می‌میرد
من و تو زنده می‌مانیم
سطل آتشفال پر می‌شود!

هر اثر هنری معمولاً از دو محور ساختار و محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرد:
الف) فرم
۱- الف) قالب:

ترانک‌ها در بحث قالب‌شناسی، هم‌سو با خصوصیات شعر سپید قابل بررسی هستند؛ چراکه از یک‌سو ترانک‌ها دارای موسیقی درونی کلمات هستند. مثل:

شعر

پدروم شعر می‌خواند
من شعر می‌گویم
او باغ‌های فراوانی دارد
من داغ‌های فراوانی

شرط

کولر، رانده بام
بخاری، دنج اتاق
غم‌م اگر باشی، دل خواهی

و از سوی دیگر در نهایت ایجاز سروده شده‌اند و کمتر کلمه‌ای را می‌توان یافت که بر بار معنایی ترانک نیفزوده باشد:

نتیجه

جنگیدیم
تا راه باز شود
دکمه‌ها باز شد

و

رنگ رنگ
دنیای رنگارنگی است

۵۳



شماره ۶۱
مهرماه ۱۳۸۷

ارتش سرخ
کاخ سفید
سازمان سیا(ه)

هم چنین در ترانک‌ها، تصاویر شاعرانه فضای شعر را طراحی می‌کنند.

مثل:

درک
کلاغ بر شاخهٔ عریان پاییز
این نوحهٔ سیاه
اندوه بهار است
و
خیابان
ادکلن‌های متفاوت
بی تفاوت از کنار هم می‌گذرند
عطر سلامی نمی‌شنوی

ولی آنچه آن را از شعر سپید دور می‌کند، تساوی نسبی مصراع‌ها، کمیت واژگان (که بیشتر از پانزده تا هفده کلمه در آن دیده نمی‌شود) و الزام حضور کلمات قافیه است. با یک نگاه مهربانانه می‌توان ترانک را انتشاعی عالی از شعر سپید به شمار آورد.

۲- الف) زبان

زبان ترانک‌ها چنان با روزمرگی گره خورده است که می‌توان آنها را تا حدودی با اشعار شاعرانی چون ورد ورث (۱۸۵۰- ۱۷۷۰) و کلریج (۱۸۳۴- ۱۷۷۲) مقایسه کرد. خود «ورد ورث» درباره اشعارش می‌گوید: «موضوع مهمی که در این اشعار می‌بینید، انتخاب واژه‌ها و فضاها از زندگی واقعی و ایجاد ارتباط و توصیف آنها تا آنجایی که امکان دارد، با انتخاب زبان مردم است. آن هم با کنار گذاشتن رنگ آمیزی‌های خیال پردازانه... و نیز جالب کردن موقعیت‌ها با ردیابی قوانین طبیعت.»

افیون

زن به زرق و برق می‌اندیشد
مرد به قبض برق می‌اندیشد

زرق و برق
قبض برق، زرورق

عابربانک

پای بریده سانل

ترجم عابربان را نگزید

کارت عابربانک، عاطفه سرشار رایانه

سادگی الفاظ و نزدیکی مضامین ترانک‌ها با جامعه باعث شده است که مردم از هر صنفی بتوانند با آنها ارتباط برقرار کنند و از اقبال عمومی خوبی برخوردار باشند. البته باید اعتراف کرد سادگی زبان آنها با فخامت مضامین به طرز شگفتی ممزوج شده است، به طرزى که حس می‌شود برای گفتن این مضمون نمی‌توان به راحتی کلمه یا عبارتی دیگر جایگزین کرد؛ مثل:

۲۹دی

فراقت را آه نمی‌توان کشید

امروز

روز هوای پاک است

تقدیر

پنجره باز خوابگاه حافظیه، سازمان غله و شاهچراغ
بعضی کبوتر حرمند، بعضی‌ها کفتر سبلو

۳- الف) قافیه: همان طوری که پیش‌تر اشاره شد، حضور قافیه، ترانک را از شعر سپید متمایز کرده است، که البته این قافیه‌ها با قافیه‌های شعر سنتی فرق می‌کنند، به طوری که گاه می‌توان آنها را از نوع بازی با کلمات دانست:

معتاد

زن مداد می‌کشد

مرد داد نمی‌کشد، مرد کشیده ادست و دراز کشیده است

حلول زندگی در جان قافیه، دنیایی از قافیه‌های تازه و نو را به روی ترانک‌ها گشوده است، تا جایی که هيجان قافیه را می‌توان از ویژگی‌های ممتاز ترانک دانست، به این مثال توجه کنید:

اینترنت

قرار معاشقه‌ای در اینترنت

لیلی با لیز آمده است

مجنون با بنز آماده است

عقیف آباد

دختران، پسران، خیابان، عقیف آباد

دماغ‌ها جراحی شده‌اند

ریش‌ها طراحی شده‌اند

شاید علاقه به حضور قافیه را بتوان به نوعی با پیشینه ادبی «کافی» مرتبط دانست. چرا که دو دهه تجربه سرودن شعر کلاسیک، ذهن موزون او را بر محور قافیه به پرواز درآورده است. از آنجا که توانمندی‌های وی در سرودن انواع ادبی غیر قابل انکار است، در اینجا بد نیست گریزی به چند شگرد شاعری او بزنیم:

اولین نکته فخامت و استواری زبان و استفاده از عناصر آرکائیک در بافتی تازه و پرتراوت است:

آن که بر کوهه زین این رخس مثل کوهی وزین تکیه می‌زد
در تشیب شتابنده عمر تکیه دارد به جوب عصایش

(بهار در برهوت، ص ۸)

یلی مرد میدان و شمشیر و تیغ

عقایی شب آسوده کاهش ستیغ

(سردار هور، ص ۱۶)

به عنوان دومین شگرد کافی می‌توان به استفاده بهینه از ظرفیت‌های زبان فارسی در ترکیب‌سازی اشاره کرد:

نبض شکارم، اضطراب آلود رنگم

پرواز را وامانده لختی درنگم



شماره ۶۱
مهرماه ۱۳۸۷

خون گریه‌ای دارم اگر غم‌ناله‌ات هست
 آتش نفس اندوه چندین ساله‌ات هست
 (تیغ و ترانه، ص ۱۳)
 من و عشق خامی هوسناک: آه
 پریمه و پر سوده خاک: آه
 یکی شیشه طاقت، یکی سنگ تاب
 یکی اشک شب‌ها یکی افتاب
 (زخم کود کیوتر، ص ۶۶)

(ب) محتوا
 دومین مقوله‌ای که هر اثر ادبی با آن محک زده می‌شود، محتوای اثر است. در حوزه معنایی ترانک‌ها می‌توان به چندین نکته اشاره کرد:
 ۱- (ب) واقع‌گرایی و ویژگی عمده ترانک هاست:

خیال
 در قهوه‌خانه
 خیال شاعر متقاعد می‌شود
 از لای دو انگشتش

تجدد
 دیروز سگی برای نگهبانی داشتیم
 امروز
 نگهبانی برای سگم

۲- (ب) برخلاف سایر انواع ادبی، ترانک‌ها از درگیری معمول لفظ و معنا مبرا هستند، این دو به طرز شایسته‌ای درهم آمیخته‌اند، به طوری که لفظ همان معناست و معنا همان کلمه‌ای که به کار رفته است، یعنی ترانک‌ها در عین موجز بودن از ابهام به دورند:

رنجه
 می‌اندیشیم به بیل زدن ظهرگاه دهقان
 و به کسانی که
 اندیشیدن برایشان بیل زدن است

جراح
 با دل‌های این مردم
 متخصص قلب
 جراح پلاستیک است!

۳- (ب) پیوند عمیق با اجتماع از ویژگی‌های خاص ترانک‌هاست. واقعیت‌های هر روز جامعه و ردیابی رابطه علت‌ها و معلول‌ها مضمونی است که در کمتر نوع ادبی به این صراحت انعکاس یافته است:

انتظار
 نظر شما چیست؟
 اگر آقا بیاید
 برای آقا زاده‌ها بد خواهد شد

کورناژ
 دنیا دور سرش چرخید
 چرخ خورد، چرخ شد
 آن گناه معصوم

۴- (ب) طنز تلخ را می‌توان از خصوصیات دیگر ترانک‌ها دانست. اگرچه انسان با یک بار خواندن یا شنیدن هر ترانک ناخودآگاه لیخند می‌زند، اما بازخوانی و تأمل در آن‌ها قلب انسان را می‌فشارد؛ مثل:

حرام
 سپور
 لزوج زباله‌ای را بیرون کشید
 پزشکی قانونی چهار ماهه‌اش دانست

و دلیل این امر هم این است که ترانک‌ها در واقع مولود یک کشف شاعرانه‌اند. فضاها در واقع صحنه‌هایی هستند که گاه با آن مواجه شده‌ایم، ولی از این زاویه هرگز به تماشای آن ننشسته‌ایم:

Feminist
 انگیزه فیمینست
 هوس آزادی است
 نه، آزادی هوس

Feminism
 تعلیم فمینیسم
 فکر بلند است
 نه، دامن کوتاه

اختیار نام ترانک، یکی از بحث برانگیزترین عناوین نقد ترانک هاست. راستی چرا ترانک؟ ترانک به معنای ترانه کوچک است و نوعی حس دلسوزی و همدردی (Sympathy) ایجاد می‌کند. شاید این عنوان به نوعی دعوت به تأمل در حقایق ریز اجتماع باشد. کافی خود در این مورد می‌گویید: «ترانک از نظر لفظ، طراوت و نازگی دارد و سبب می‌شود تا از حیرانی و سردرگمی طرح و تعریف آن و حدود و ثغور نامعلوم آن پرکنار باشد»

باشو
 باشواز شکوفه‌های گوجه می‌گوید
 من از سیم خاردار
 شاعر زمان خود باید بود

به هر حال چه بخواهیم، چه نخواییم، ترانک‌ها وجود دارند، زندگی می‌کنند و مثل ترانه‌هایی تلخ بر تارهای زندگی نواخته می‌شوند.

ترانک
 ترانک‌ها را دوست دارم
 با آن که هیچ کس
 از درد لذت نمی‌برد



شماره ۶۱
 مهرماه ۱۳۸۷